

پیام رحمان حسین زاده معاون لیبر حزب حکمتیست

در آستانه سال نو پیام آوران آزادی و برابری در میان مردم!

و سازمان یافته با سناریوهای ضد انسانی تدارک دیده شده علیه جامعه ایران، نمیتواند نجات دهنده مردم و جامعه ایران باشد. نجات دهنده ای غیر از نیروی متحد و متشکل و صاحب قدرت کارگران و مردم وجود ندارد. گارد آزادی ابزار مهم سازمانیابی و ابزار مهم اعمال قدرت مردم در اوضاع حساس و پر پیچ و خم پیشاروی مردم ایران است. ابزار مهم به دست گرفتن سرنوشت جامعه به دست خود مردم و تضمین آزادی و امنیت و مدنیت جامعه ایران و کنار زدن نقشه نیروهای سیاه علیه مردم است. ابراز وجود قدرتمند شما در شهر مریوان این ابزار و این امکان را به میان مردم برده است و راه تقویت و گسترش آن را نشان داده است.



به واحدهای گارد آزادی

حضور مبتکرانه و گسترده شما را در میان مردم مریوان تبریک میگویم. در آستانه سال نو پیام آزادی و برابری و پیام شادی را به میان مردم بریدید. اتکا به قدرت و اراده خود ما مردم را نمایندگی کردید. راه و ابزار و سازمان اعمال قدرت مردم به منظور به دست گرفتن سرنوشت خود را نشان دادید. درود بر ابتکارتان، درود بر جسارتتان.

از طرف رهبری، کادرها و اعضای حزب

حکمتیست صمیمانه دستتان را میفشارم. سال نو را تبریک میگویم و دوباره بر ابتکارتان درود میفرستم.
از طرف رهبری حزب حکمتیست
رحمان حسین زاده
18 مارس 2006

گفتگوی اکتبر با عبدالله دارابی راجع به حضور گارد آزادی در شهر مریوان!

انسانیت بنا شده است. بنا بر این سیاست و کارکرد روزمره این نیرو در راستای سرنوشتی تمام و کمال رژیم جمهوری اسلامی و تامین حفظ امنیت و منافع همه جانبه مردم در مقابل دستجات قومی، مذهبی و کنگستر سیاسی است. این ابراز وجود قدرتمند گارد آزادی در شهر مریوان در واقع کنترل کردن 16 محله این شهر را با خود داشته که در جو و فضای سیاسی امروز ایران بسیار حائز اهمیت است چون این ابراز وجود میتواند سرعت در سایر شهر های دیگر کردستان گسترش یابد.

نقشه گارد آزادی قرار گرفته و آیا این میتواند الگوی ادامه کاری در سایر شهرهای کردستان و سایر نقاط دیگر ایران باشد؟
عبدالله دارابی:
پیشا پیش به همه رفقای دست اندرکار این عملیات بزرگ تبریک گفته و برایشان آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون دارم. این حرکت نمونه ای از ابراز وجود قدرتمند یک نیروی مسلح کارگری و مردمی است که بنیان سیاسی و اجتماعی آن با سایر نیرو های مسلح موجود متفاوت است چون پایه های آن بر اساس منافع انسان و



اکتبر:

عملیات گسترده شب 26 اسفند ماه 1384 توسط چند واحد از نیروی های گارد آزادی در شهر مریوان، با اهمیت و قابل تحسین است. با توجه به آن، این حرکت در کجای

در صفحات دیگر

در یاد فاجعه حلبچه و یاد جانباختگان گردان شوان! حسین مراد بیگی (حماه سور) ص ۳

آزادی بیان از نوع حزب دمکرات کردستان! عبدالله شریفی ص ۴

تشکیل واحدهای گارد آزادی یک نیاز فوری است! خالد حاج محمدی ص ۲

سانی که نیکوست از بهارش پیداست! هوزان حکمت از سقز

بیانیه "دفاع از آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان"

مناسبت سال نو و جشن و شادی و سرور مردم! نیروهای انتظامی به مردم مهاباد یورش بردند!

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!



با رهبران حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
ایران، خطر حمله آمریکا

سپینار اول
ثریا شهابی
پنجشنبه 23 مارس در پالتاک
از ساعت 10 و نیم تا 12 و نیم شب به وقت ایران
8 تا 10 به وقت اروپای مرکزی
11 صبح تا 1 بعد از ظهر به وقت غرب آمریکا

آدرس: اطاق "Iran ba Hekmatist"
در گروه / Other By Language / Nationality

تشکیل واحدهای گارد آزادی یک نیاز فوری است!

خالد حاج محمدی

کنیم که در محل کار و زندگی خود از مردم محل و امنیت آنها دفاع کنیم. با تشکیل این واحدها امکان ایجاد امنیت برای مردم محل و خنمان را فراهم کرده ایم. تکثیر این واحدها در هر محله و مکانی، ایجاد درجه ای از امنیت در این مکان است، باید کاری کرد با حضور خود و تشکیل این واحدها در محلات شهرها، فضای اسلامی و ارتجاعی، فضای ضد زن، فضای توحش و ترس را برادریم. باید کاری کنیم که همه بدانند جریان فاشیستی و قومی از جمهوری اسلامی تا هر جریانی که اسلیش مردم را با مخاطره مواجه میکنند، با وجود واحدهای گارد آزادی ممکن نیست. باید همه بدانند که مردم در این محلات از آسایش و امنیت برخوردارند. گارد آزادی و وجود واحدهای آن در محلات شهرها متضمن آسایش و امنیت مردم خواهد بود. در تشکیل این واحدها باید تعجیل کرد، آنها را باید سازمان داد و با فرماندهی گارد آزادی باید وارد رابطه تنگتنگ شد.

۲۱ مارس ۲۰۰۶

قومی و فاشیستی دارند هر کدام به صورتی خود را آماده میکنند. ما مردم نیز برای دفاع از زندگی و آسایش خود، برای دفاع از امنیت، ایجاد امکان توان دفاع از خود در مقابل جمهوری اسلامی و کانگسترهای مسلح و جریانات قومی فاشیستی باید دست به کار شویم. گارد آزادی و سازمان دادن آن تلاشی در این راه است. باید تلاش کنیم در مقابل هر احتمال و مخاطراتی که امنیت و آسایش مردم را با خطر مواجه می کند بتوانیم از خود و مردم دفاع کنیم. سازمان دادن گارد آزادی در هر شهر و روستایی، در هر محله و مکانی امری فوری و ضروری است. در هر کوچه و محله شهری باید تلاش کرد واحدهای گارد آزادی را سازمان داد. حضور گارد آزادی در مریوان و نمونه ای که در چند روز گذشته اتفاق افتاد آموزنده بود. اینگونه نمونه ها را لازم است فوری تکثیر کرد. در کارخانه و کارگاه، در محله و هر جا هستیم و هر جا زندگی میکنیم واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهیم، به گارد آزادی بپیوندم، خود را آماده کنیم تا در شرایط لازم و در مشورت با فرماندهی گارد آزادی، ابراز وجود علنی کنیم. خود را آماده

که بتوانند بر بستر جنگی کثیف و قومی و به قیمت خونریزی و کشتار مردم و به جان هم افتادن آنها، خود سهمی دست و پا کنند. هیچ فرشته نجاتی در کار نیست. باید خنمان و تنها خود ما مردم بتوانیم و امکان و توان دفاع از خود را پیدا کنیم. باید قدرت دفاع از خود را پیدا کنیم و بدون این توان و این قدرت، ما مردم تنها قربانیان بی گناه این اوضاع خواهیم بود. تنها راه و شانس که ما مردم داریم، اتحاد و سازمان دادن خود در مقابل این اوضاع است. باید امکان دفاع از خود را داشته باشیم و در سرنوشت خود نقش ایفا کنیم. باید کاری کنیم که مانع تکرار جنایت و توحش از نوع اسلامی تا قومی آن در کوچه و خیابان و محل کار و زندگی خود شویم. تنها تضمین قدرت خود و اتحاد و توان و دخالت نگاهانه خود ما مردم است. گارد آزادی تلاشی در جواب به این نیاز فوری است. ما این بحثها را تاکنون کرده ایم و در این راه تلاش کرده و دست به کار سازمان دادن واحدهای گارد آزادی در شهرهای مختلف شده ایم. آنچه مهم است و آنچه در این اوضاع طلب میکند تعجیل در این امر و عدم تاخیر در این راه است. جریانات ضد مردمی از خود جمهوری اسلامی تا جریانات

نیز به یک احتمال و یک مخاطره جدی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی از هم اکنون تلاش دارد از فضایی که تحت تاثیر فضای جنگی ایجاد می شود علیه مردم و برای عقب راندن اعتراض و مبارزه ما استفاده کند. دسته جات قومی و فاشیستی در کمین نشسته اند تا در سایه وقوع جنگ و به قیمت ویرانی و کشتار جمعی مردم، آنها نیز صاحب پول و امکاتی در جهت کمک به پیشبرد این نقشه شوم شوند. این اوضاع مخاطرات جدی و متأسفانه نه چندان دور را در مقابل ما قرار داده است. جنگ آمریکا و احتمال وقوع آن میتواند شرایط سیاهی فراهم کند که ابعاد فاجعه آمیز آن غیره قابل تصور است. اوضاعی که عراق امروز و فجایی که در چند سال گذشته در این مملکت اتفاق افتاده، در مقابلش کم اهمیت است. حتی بدون وقوع چنین جنگی و جدا از فاکتور جنگ آمریکا و احتمال آن، در خود پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی امکان ابراز وجود انواع دسته جات مسلح اسلامی که زندگی مردم را به بازی خواهند گرفت، یک امر واقعی است. جریانات قومی با باد زدن قومگرایی در تلاشند چنان کینه و نفرتی میان مردم ایجاد کنند

چند روز قبل مردم مریوان شاهد حضور واحدهای گارد آزادی در محلات این شهر بودند. این واحدها در یک شب در مرکز شهر مریوان و علیرغم وجود هزاران نفر از نیروهای جمهوری اسلامی، در میان مردم حضور یافتند و به وجود نیروهای رژیم واقعی نینهادند. آنها نشان دادند که میتوان و باید از همین امروز در فکر ابراز وجود خود و اعمال کنترول خود در محلات شهر بود. این نمونه را باید تکثیر کرد و این ابتکار را باید در تمام شهرهای کردستان اشاعه داد. گارد آزادی متضمن دفاع از آزادی و امنیت مردم است و تشکیل واحدهای آن و تکثیر این واحدها وظیفه هر انسان آزاده، هر جوان مبارز و با وجدانی است که در فکر حفظ امنیت مردم و در فکر ایجاد امکان دفاع مردم از زندگی خود در مقابل مخاطرات احتمالی است. اوضاع جامعه ایران متحول است. به میدان آمدن انواع دسته جات اسلامی، قومی و فاشیستی در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و تحمیل یک سناریوی سیاه به مردم ایران یک خطر واقعی است. جدا از این قلدری دولت آمریکا و خطر تحمیل یک جنگ خامتاسوز به مردم ایران

نوروزتان پیروز!

اکتبر نوروز را به همگی شما عزیزان تبریک میگویم و برایتان بهترین ها را آرزو میکند!



نوره ای است که باید دست بکار شد و انتخاب خود را حول این نیروی آزادیخواه و برابری طلب رقم زد.



عده داری: امروز گارد آزادی بمثابة یک نیروی مسلح کارگران و مردم آزادیخواه ایران می رود تا در جامعه نقش بازی کند و در این جهان سیاه و ناهنجار سرمایه داری به یک روزنه امیدبخش برای متحقق ساختن دنیای آزاد و برابر میلیونها انسان شرافتمند و آزادیخواه تبدیل شود. بحث اساسی این است که وقت آن فرا رسیده همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب بویژه جوانان با دیدی بازتر و جنباندارانه تر به گارد آزادی نگاه کنند و آنرا چون نیروی واقعی و سرنوشت ساز خود انتخاب نمایند و به آن بپیوندند و از هر نظر آنرا تقویت و نیرو مند بخشند. این نوره،

در کردستان، بار دیگر کنترول محلات را به عنوان امری ضروری، ممکن و قابل انجام به عنوان سیاست فعال گروه های گارد آزادی غیر مسلح در شهر خارج از کردستان هم یاد آور شویم و شروع و انجام آنرا از همه واحدهای خود در شهر های بزرگ ایران طلب نماییم. در شرایط حاضر نمونه ابراز وجود گروه های مسلح گارد در مریوان بایستی بعنوان الگو در همه شهر های کردستان ادامه و گسترش یابد.

اکتبر:

پیام شما برای مردم و گروه های گارد آزادی چیست؟

کنترول کردن محلات شهر ها تنها خاص جغرافیای کردستان نیست خصلت سراسری دارد و شروع و گسترش آنرا نباید تابع جغرافیای خاصی کرد. گروه های گارد آزادی در راستای پیشبرد و وظایف خطیر خود میتوانند کنترول محلات را در شرایط حاضر به شیوه غیر مسلح اش به دیگر شهر های بزرگ خارج از کردستان هم گسترش دهد. در نوشته های دیگر جنبه های سراسری و کردستانی را توضیح داده و باز هم به آن خواهیم پرداخت. در اینجا آنچه به پاسخ این سؤال بر میگرد این است که ما در همین نوشته علاوه بر فعالیت گارد آزادی

مصاحبه رادیو فردا با صالح سرداری، در مورد حضور گارد آزادی در شهر مریوان، در سایت اکتبر قابل دسترسی است!

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

در یاد فاجعه حلبجه و یاد جانباختگان گردان شوان! حسین مراد بیگی (حمه سور)

شوان جدا نیست. در آن روزها گردانی از رزمندگان کمونیست، از مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم جان خود را در درگیری با نیروهای چپمی حکومت اسلامی از دست دادند. یاد عزیزان از دست رفته گردان شوان و دیگر عزیزان راه آزادی و سوسیالیسم همیشه عزیز و گرانی است. یاد این عزیزان را ما با تداوم مبارزه خود برای آزادی و سوسیالیسم حفظ و گرامی میداریم.

20 مارس 2006

دوره نیز از گزند حملات شیمیایی دولت بعث عراق در امان نماند. روز شنبه 27 اسفند ماه 1366، روز بعد از بمباران شهر حلبجه، رفقای گردن شوان که در جوار شهر حلبجه قرار داشتند، هدف ترکش این بمباران شیمیایی، و همزمان مورد تعقیب و سپس حمله آمکشان جمهوری اسلامی که در سراسر منطقه پخش شده بودند قرار گرفتند. این عزیزان در میان فضای مسموم نور و بر خود و در یک جنگ نابرابر با نیروهای جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند. لذا برای ما یاد فاجعه حلبجه و مردمی که بر اثر این بمباران وحشیانه جان خود را از دست دادند از یاد عزیزان جانباخته گردان

همچنان تکرار خواهند شد و همچنان دامن بشریت را خواهند گرفت. اوضاع فعلی عراق و اکنون امکان حمله نظامی دولت آمریکا به ایران، دارد فاجعه هولناکتری را در مقابل بشریت متمدن میگرد. نباید اجازه داد که دولتهای سرمایه داری تحمیل این روزهای سیاه را به زندگی عدلی ما تبدیل کنند. باید گرامیداشت چنین روزهایی را به روز اعتراض جهانی بشریت علیه بربریت و توحش دولتهای سرمایه داری و اکنون قلدری دولت آمریکا تبدیل کرد. بمباران شیمیایی شهر حلبجه توسط فاشیستهای بعث عراق، تلفات خود را به کومه له آن دوره نیز تحمیل کرد. کومه له آن

روز ۱۶ مارس ۱۹۸۸ برابر با روز جمعه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۶، در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق، شهر حلبجه توسط هواپیماهای دولت بعث عراق بمباران شیمیایی شد که بر اثر آن ۵۰۰۰ نفر از مردم این شهر جان خود را از دست دادند. فاجعه هولناک حلبجه را باید همانند بمباران لثمی هیروشیما و ناکازاکی که در جریان جنگ دوم جهانی توسط دولت آمریکا انجام گرفت در نظر گرفت و از آن به عنوان بربریت دولتهای سرمایه داری علیه بشریت، یاد کرد. فجاجع و هولوکاستهایی که تا سرمایه داری و دولتهای آن باقی بمانند

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران_ حکمتیست مناسبت سال نو و جشن و شادی و سرور مردم! نیروههای انتظامی به مردم مهاباد یورش بردند!

اعتراض متحده علیه توحش و سرکوبگری رژیم اسلامی فرامیخواند.

**زنده باد شادی مردم!
زنده باد آزادی و برابری!
مرگ بر جمهوری اسلامی!**

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران_ حکمتیست
۱ فروردین ۱۳۸۵ _ ۲۱ مارس ۲۰۰۶

شهرداری حرکت میکنند. مرتب بر تعداد مردم افزوده میشود و نیروهای پلیس در ساعت ۸ بعد از ظهر به آنها حمله کرده و مردم را برانگیزه میکند. در ساعت ۹ شب باز صدها نفر در چهار راه آزادی جمع میشوند و تا ساعت ۱۱ شب چند بار نیروهای گارد ویژه به مردم حمله کرده و آنها را متفرق میکنند. کمیته کردستان حزب حکمتیست، ضمن ابراز انزجار شدید از اعمال سرکوبگرانه اوباشان اسلامی علیه مراسم شادی مردم، مردم از دیخواه و جوانان را به

سال همراه با شعله های آتش، در کردن ترقه و صدای خنده و شادی مردم بود.

در این روز جوانان، دختر و پسر و زن و مردم، لباسهای شاد پوشیده و قوانین اسلامی را زیر پا گذاشته و چند ساعتی را در فضایی صمیمی و شاد بسر بردند و به وجود نیروهای رژیم وقعی ننهادند.

در مهاباد جوانان و مردم از ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان آزادی تجمع کردند. صدها نفر جمع شده و به رقص و پایکوبی پرداختند. بعد از یک ساعت به طرف میدان

بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۹ اسفند برابر با ۲۰ مارس ۲۰۰۶، جوانان و مردم در شهرهای مختلف کردستان به شادی و رقص و پایکوبی پرداختند. عصر این روز جوانان و مردم در شهرهای مختلف از سنج و کامیاران تا مریوان و پلوه، از سقز و دیواندره تا بوکان و مهاباد، از بانه و سرناشت تا پیرانشهر و اشنویه و نقده و... همه جا به شادی و آتش بازی دست زدند. همه جا فضایی مملو از خوشی و شادی و جشن سر

اعتراض مردم گلینان مهاباد به اسفالت نبودن جاده روستا!

روستا و بارگیری آنان جلوگیری میکنند. در این برهه وظیفه ی همه مردم منطقه است که از اهالی گلینان حمایت کنند.

**رضادانش از مهاباد
29/12/84**

مردم بوجود آورده است. مردم در اعتراض به رفت و آمد کامیونها و تراچ مواد معدنی روستا (سنگ آهن) و عدم اسفالت راه تصمیم گرفتند تا زمانی که راه ارتباطی روستا اسفالت نشود از حمل سنگ آهن جلوگیری کنند. به دنبال این مسئله قرار شده بود که استاندار در گلینان حاضر شود و به مردم جواب دهد. اما بعد از مدتی به بهانه نبود امنیت سفر استاندار کنسل شد ولی مردم مبارز گلینان هنوز بر خواست خود پا میفشارند و تا هم اکنون از ورود کامیونها به

کوچکترین فشاری از مردم محروم کم نکرده است و البته قرار هم نبود کم کند. مگر منابع مهم و عظیم نفت در جنوب ایران و گاز در شمال و مرکز عظیم نوب آهن در اصفهان باری از دوش مردم محروم این مناطق برداشته است تا مردم روستای گلینان منتظر چیزی باشند؟

مردم این روستا در محرومیت شدید به سر میبرند و جاده ی ارتباطی روستا از خلیفان تا گلینان خاکی و بسیار ناهموار می باشد که در فصل زمستان مشکلات بسیاری برای

روستای گلینان یکی از روستاهای مهاباد است که در بخش خلیفان این شهر میباشد. جاده روستا در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی هنوز اسفالت نشده است و این مشکلات زیادی را برای مردم ایجاد کرده است. امسال در گلینان ذخایر عظیمی از سنگ آهن کشف شده است که اکنون مورد بهره برداری است. این ذخایر برای مصرف در کارخانه سیمان ارومیه، به آنجا حمل می شود. پیدا کردن این ذخایر که البته

سالی که نیکوست از بهارش پیداست!

**هوزان حکمت از سقز
28/12/84**

کنیم. گارد آزادی با حرکت جسورانه خود در شهر مریوان، بهترین هدیه نوروزی را به مردم ایران و کردستان اهدا کرد. زنده باد گارد آزادی!
زنده باد حزب کمونیست کارگری- حکمتیست!

آغاز سال جدید را چون سالهای گذشته با تاثیرات کمونیستها شروع میکنیم. حرکت گارد آزادی سر آغاز امید بخش تحریکات جدیدی است که ما را به رهایی امیدوار میکند. خوشبختانه سال جدید را با ابتکارات اجتماعی حکمتیستها شروع می

**دوست عزیز و گرامی سر دبیر نشریه
اکتبر!
سال جدید (نوروز 85) را به شما و تمامی رفقای حکمتیست تبریک میگویم.
رفیق عزیز و ارجمند، بسیار خوشحالم که**

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی بیان از نوع حزب دمکرات کردستان!

عبدالله شریفی

چشم‌گرفتن از مردم متمدن جهان بود، نرمش‌نول غربی و عربده کشی اسلام سیاسی در يك جبهه علیه بشریت متمدن و حق آزادیهای مدنی جامعه بود. کسی که این توحش را به "مردم مسلمان" منتسب میکند اگر ساده لوح نباشد شاید سیاسی است. بنتر از آن مگر قرار است که اگر احساسات ملی و قومی کسی جریحه دار شد، خون بپا کنند؟ مگر نه این دکترین آینده و خطو نشان کشیدن های است در مسیر آینده مطلوب حزب دمکرات برای جامعه ایران، مگر بر داعیه های پوچ این چنینی نیست که جنگهای قومی و نسل کشیها را مشروع جلوه میدهند؟ کجای تاریخ جهان متمدن آمده که چون فلان قوم یا مذهب و سکت احساساتش جریحه دار شده پس حق حیات از دیگران باید سلب شود و جامعه را از مدنیت تهی کنند؟ مردم حق دارند بدون قید و شرط راجع به مقدرات هر فرقه و ملت و مذهب طنز، نقد، شوخی کنند و کسی حق ندارد تحریک شود و احساساتش جریحه دار شود و خون راه اندازد. بیش از دو قرن است تاریخ بشر و مدنیت بشر دارد برای این بدبختیات می‌جنگد.

جامعه کردستان جامعه مدنی است. مردم و نسل تازه، مدرن و امروزی هستند. چرنیبات پشت هر نصیاح پیامبر گونه قدیسان را میخوانند. بهتر است، نویسندگان و قلم زنان حزب دمکرات بروند فکری به حال خودشان بکنند، بروند کمی مطالعه کنند، مدرن شوند و دست از سر جامعه کردستان و مدنیت جامعه بردارند.

۲۰ مارس ۲۰۰۶

آزادی بیان یعنی اینکه انتقاد و طنز مردم از گزند توجیهات جریانات مانند حزب دمکرات مصون بدارد. مقدمات تحمیلی که با زور و سرکوب طی نسلاها مقدس میشود ابزار سرکوب و تمویق مردمنده، یکی از راه های دفاع از مقدمات تحمیلی رواج اینگونه فرهنگها میباشد. مسله این است از نظر میلیونها نفر هم از انقلاب کبیر فراتسه تا کنون هیچ چیزی غیر از انسانیت انسان مقدس نبوده است. مردم دهه ها جنگیند تا مثل حزب دمکرات به خود اجازه ندهند این اراجیف و تبصره ها را در قالب مقدمات مردم بر حق آزادی بیان مقرر دارند.

جالبتر این جا است که در لاله می افزاید: "...اعتراض مسلمانان در کشورهای مختلف منجر به اعمال خشونت بار و غیر متمدنانه شد که دستاوردی نداشت و چهره این افراد و جوامع را نزد افکار عمومی جهان بیش از بیش مورد سوال و تشکیک قرار داد و نتیجه معکوس گرفت برای کسانی که فقط مخلصانه و از نظر حساسی جریحه دار شده و از سر احساس و عواطف مذهبیشان به خیابان آمدند و اعتراض کردند..."

تعجب نکنید! اینها افاضات لآخوندهای منبر رفته و حاج آقاها "مدرن شده" پامبری نیستند، این نظر نویسنده حزب دمکرات راجع به اتفاق سیاسی است که توجه جهانیان را مدتی به خود جلب کرد. باید گفت جنجال حول کاریکاتورهای محمد، اعتراض مسلمانان نبود، سیاست رژیم اسلامی و اسلام سیاسی در قبل غرب بود، قدرت نمایی توحش بود در اروپا و آمریکا، علیرغم کتمکتهای پشت صحنه، زهر

کنند، اما هنگامی که رادیو و برنامه هایش رو به مردم کردستان پخش کنند، "با تلاوتی از آیات قرآن مجید" شروع میشود. میگویند مردم کردستان فرق دارند، جامعه عقب مانده است، و دست نواز شگر این حزب بر عقب ماندگیهای آن جامعه، ظاهر ادر محافل بالایشان بعنوان شاهکار، تاکتیک، قلمداد میشود. این يك متد با ثبات در درون حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد است. راجع به مسله زن هم همین تر "عقب ماندگی جامعه کردستان" آنها را در نگه داشتن فرهنگ مرسلالاری و ضد زن یاری رسانده است، این "جادو" بدانشان رسیده است. با همین لحن در مورد جوامع میگویند "زنان ما نیستند"، پس باید زیربار قیود مرسلالاری و عقب ماندگی صبر ایوبی پیشه کنند. این متد با ثبات تنها راجع به "مذهب مردم" و مسله زن نیست که "منعطف" است و تاکتیک دارد، بلکه لباس و قیافه و ریخت و سرو وضع رهبرانی که برای مدتی به "دیار" فرستاده میشوند را هم شامل میشود. رهبران این حزب هنگام سفر به میان مردم کردستان، معمولاً سبیل در میاورند و لباس محلی، جامدانه هم در چندناپیشان میگذارند. خوب مردم "عقب مانده" هستند و قرار است کلارهای حزب دمکرات در میانشان کار کنند!!

هدف روشن است، پدیده ای، سمبلی، اتقایی، اشخاصی را مقدس میکند تا زبان انتقادی مردم را ببندد. مقدمات ملی و مذهبی را با زندان و ارتش و قانون و سرکوب محافظت میکنند، بر بستر جهالت از آن تعصب درست میکنند، تا آزادی مدنی را سرکوب کنند. اتفاقاً

است، اولاً، چاپ و نشر تصویری طنزآمیز از شخصیتی که برای میلیونها نفر مقدس میباشد، نمیتواند حرکتی قابل دفاع و پشتیبانی باشد. ممکن است در جوامعی با سطحی از آگاهی و داشتن فرهنگی خاص شوخی و طنز در مورد قدیسان و اشخاص مورد ستایش کاری معمولی باشد و حساسیت برانگیز نباشد، اما چنین عملی در مورد مقدمات و فرهنگها و جوامع دیگر نمیتواند توجیه پذیر باشد..."

با این حساب، ننیای حزب دمکرات آن چند میلیون است؟ پس تکلیف چند ملیاردی که برای آن مقدمات تره خورد نمیکنند چی میشود؟ اصلاً کم و زیاد جمعیت چه ربطی به حق آزادی بیان دارد؟ فرض کنیم هر شش ملیارد به پدیده ای مقدس نگاه کنند و چند نفری میخواهند آن را نقد و طنز کنند، حق ندارند؟! واقعا مگر زمانی برده داری و قوانین برده داری برای میلیونها نفر مقدس نبوده است؟ مگر زمانی زنده بگور کردن دختران سنت مقدسی نبوده است؟! نه انگار توقع زیادی را در مقابل نظریه پردازان حزب دمکرات قرار داده ایم!!

در حقیقت همین چند سطر نقل شده از مقاله نشریه کردستان، موجز و مفید، سیاست شصت ساله حزب دمکرات در مورد آزادی بیان را بشما میگوید. آزادی بیان پرنسیب این حزب نیست، حق مردم مسله نیست، مسله این است که چکار کرد تا در بازار بورس جایی را گرفت. بطور مثال نمایندگان حزب دمکرات در مجامعی که بوی سکولاریسم بدهد، مثلا کنگره انترناسیونالیستهای نوع خوششان سعی میکنند خود را سکولار معرفی کنند، مصلحت چنان است که آنجا غلظت آتینیستی را بر جسته

اخیرا نشریه کردستان ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، مطلبی تحت عنوان (کاریکاتورهای جنجالی و رژیمهای در سرفرین) بقلم کریم پرویزی منتشر کرد. ظاهراً این اعلام موضع رسمی این حزب در قبل جنجالهای اخیر حول انتشار کاریکاتورهای محمد بود. مستقل از انگیزه و اهداف قابل توضیح و محرک نو طرف دعوا در ماجرای جنجال کاریکاتورها، تا آنجایی که این اتفاق بر تجارب مردم افزوده است بی گمان محک خوردن احزاب و جریانات سیاسی میباشد. این رویداد مجریایی شد تا بار دیگر احزاب سیاسی متفولت دوری و نزدیکی صریح خود را با منافع مردم و جامعه و مدنیت نشان دهند.

دولت هایی به خاطر سود سرمایه، احزابی به خاطر منافع جنبششان، جریاناتی در بازی دیپلماسی و دلو سدهای سیاسی، کسانی از سرکلاشی و حقه سیاسی راجع به این ماجرا گفتند و نوشتند و سیاست اتخاذ کردند، همه نشان دادند که کجا ایستاده اند.

در این میان جریانات دست راستی و ناسیونالیست اپوزیسیون ایرانی واقعا تماشاایی تر بودند، حزب دمکرات کردستان هم تلاش کرد از قافله جا نماند، اما علیرغم کوشش آقای پرویزی جهت "امروزی" کردن تبیین حزب دمکرات از آزادی بیان، علیرغم جهد در عاریه گرفتن از ادبیات حقوق بشری بوش و بلر، باز هم تبیین نوع حزب دمکراتی از پدیده آزادی بیان در سراسر نوشته موج میزند. آقای پرویزی میگوید: "... این جنجال از چند جنبه قابل تامل

بیانیه "دفاع از آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان"

مدافع حقوق بشر، طرفداران آزادی حق بیان، حقوق زن، حقوق کودک، و نویسندگان و ژورنالیست ها و همه انسانهای آزاییخواه را دعوت میکنیم که از این بیانیه حمایت کنند و برای به کرسی نشاندن حق بی قید و شرط آزادی عقیده و بیان اقدام کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۸ مارس ۲۰۰۶

افتاده موج معزرت خواهی و توجیه ممنوع کردن نقد اسلام، زیر فشار این ارباب فی الحال براه افتاده است. امروز نقد اسلام را با هر توجیهی محدود و ممنوع میشود، فردا نقد هر عقیده و بیان و مذهب و مرام دیگری! ما معتقدیم که آزادی عقیده و بیان مشروط و محدود نیست. و هیچ کس به هیچ بهانه و توجیهی حق محدود و مشروط و ممنوع کردن آن را ندارد. ما همه سازمانها و احزاب و شخصیت های

گرد به بشریت متمدن است. باید در مقابل آن ایستاد و از دست آورد های بشریت معاصر دفاع کرد. دفاع از آزادی عقیده و بیان، بی تردید نمی تواند توسط جنبش ها و نیرو های صورت بگیرد که هر گاه منافع سیاسی و اقتصادی شان اقتضا کند، دست آورد های تمدن معاصر، از حق بشر تا حق زن و آزادی عقیده و بیان، را یکی پس از دیگری به دستجات ارتجاعی تسلیم خواهند کرد. براه

انتشار چند تصویر انتقادی از محمد، پیغمبر اسلام، در نشریات اروپایی موجی از حمله به حق آزادی عقیده و بیان را در سراسر جهان، براه انداخته است. این حملات نه توسط مردم مسلمان، که توسط باندهای ارباب و سازمان دهندگان تحریکات ضد آزادی، در سراسر جهان براه افتاده است. تهدیدات اسلامی، ارباب و آتش زدن های بی دریغی سفارتخانه ها و قتل و کشتار منتقدین اسلام، پیشروی جنبش تحمیل عقب

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!